



نگاه

استراتژی جدید مدیران دولت برای خصوصی سازی

پدرام سلطانی*

آنچه امروز از برنامه خصوصی سازی های اخیر به گوش می رسد نشان از تصمیم گیری های عجولانه و خودسرانه برخی مسئولان دولتی دارد. در شرایطی که قانون اصل ۴۴ ابلاغ شده است به نظر نمی رسد تصمیم گیری بدون برنامه و خصوصی سازی های مغایر با سیاست های اصل ۴۴ بدون در نظر گرفتن قانون، منطقی باشد. در هر صورت پس از فراز و نشیب های فراوان قانون سیاست های اصل ۴۴ هفته گذشته نهایی و ابلاغ شد. از این به بعد واگذاری ها و دیگر سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ در فضایی قانونمند قابلیت انجام دارد به شرط اینکه دولت به سرعت نسبت به تشکیل شوراهای و هیات های مصرح در این قانون اقدام کند. حال که برای انجام واگذاری ها و خصوصی سازی قانون مشخص وجود دارد دولت باید از این پس فقط در چارچوب این قانون به انجام واگذاری ها و نظارت بر فرآیند آن اقدام کند. در این ایام واگذاری پنج درصدی شرکت مخابرات ایران را شاهد بودیم در حالی که واگذاری مخابرات در قالب صرفاً یک شرکت در تضاد با سیاست های ابلاغی و فصل نهم قانون مربوط به جلوگیری از انحصار و ایجاد رقابت است. انتظار بخش خصوصی از دولت این است که پیش از واگذاری این شرکت ها نسبت به رفع انحصار با تشکیل شورای رقابت اقدام کند هرچند در خصوص مخابرات این اتفاق رخ نداد. از مزایای خصوصی سازی افزایش بهره وری، کاهش هزینه، افزایش کیفیت، سودآوری بنگاه، افزایش رقابت شرکت خصوصی شده با جهان و ارتقای تکنولوژی و فناوری است که مهم ترین آن ایجاد فضای رقابتی است اما در حال حاضر تلفن ثابت و آی تی به یک شرکت واگذار می شود و این برابر است با انحصار و در جهت افزایش کیفیت و کاهش هزینه پیش نمی رود. پس از ورود اپراتور دوم و سوم، شاهد رقابتی چشمگیر در تلفن همراه شدیم که کاهش ودیعه تلفن همراه، افزایش سرویس ها، به روز شدن سیم کارت و... را به همراه داشت و این اتفاقات همگی مرهون فضای رقابتی است. در این شرایط که این مزایا حاصل نمی شود، نمایندگان بخش خصوصی باید نسبت به این گونه واگذاری ها هشدار دهند تا از هرگونه اقدامی که با مصالح اقتصاد ملی و اقتصاد آزاد مغایر است، جلوگیری شود. خصوصی سازی شرکت مخابرات ایران به این سبک و همچنین زمزمه هایی که این روزها در زمینه واگذاری شرکت ملی پتروشیمی و شرکت ملی گاز ایران به صورت هلدینگ مطرح می شود، استراتژی جدید مدیرانی است که با واگذاری واقعی این شرکت ها به بخش خصوصی مخالف بوده اند و می خواهند همچنان مدیریت و کنترل دولت بر این شرکت ها مستدام باشد به طوری که با این شیوه عملاً پیش پای خصوصی سازی سنگ اندازی می شود. متأسفانه شیوه خصوصی سازی در شرایط فعلی به گونه یی پیش می رود که گماکان تا مدت طولانی مدیریت دولتی بر تمام واگذاری ها ادامه خواهد داشت. سازمان خصوصی سازی به جای اینکه واحدهایی را که آماده واگذاری شده و توسط شرکت بورس پذیرش شده اند را طی مدت محدود و مشخص و تا سقف مجاز واگذار کند، مبادرت به اصطلاحاً زخمی کردن شرکت ها کرده است. یعنی در واگذاری های ۵ تا ۱۰ درصد از شرکت های متعدد، ظاهراً به الزامات خصوصی سازی عمل کرده است در حالی که تا امروز مدیریت هیچ کدام از این شرکت ها از دولت به بخش خصوصی منتقل نشده است. سوال این است چرا سازمان خصوصی سازی به جای این روش، طوری عمل نمی کند که طی هر سال تعداد مشخصی از شرکت ها را به کلی و تا میزان مجاز قانونی واگذار کند تا مدیریت دولتی زودتر به بخش خصوصی منتقل شود؟ موضوع دیگری که باید در روند خصوصی سازی ها مورد توجه قرار داد این است که تا به امروز گزارش شفاف و کاملی از خصوصی سازی های انجام شده و میزان انطباق آن با سیاست های اصل ۴۴ منتشر نشده است. اتاق بازرگانی باید پیگیر این گزارش باشد ضمن اینکه سازمان خصوصی سازی نیز باید خود را ملزم به ارائه چنین گزارشی بداند تا معلوم شود به غیر از کمیت واگذاری ها در کیفیت و نحوه واگذاری ها و همچنین گام برداشتن در مسیر سیاست های اصل ۴۴ حرکت کرده ایم یا خیر. اما مساله مهمی که تاکنون آنچنان مورد توجه قرار نگرفته سهم بخش خصوصی از این واگذاری ها است. فرصت های تعریف شده در سیاست ها و قانون اجرایی اصل ۴۴ در فرآیند خصوصی سازی در کشور از جمله مهم ترین اموری است که بخش خصوصی باید در آن دارای سهم و جایگاه مشخص باشد. دولت به عنوان صاحب ۲۰ درصدی اصل ۴۴ و متولی سهام عدالت این دو بخش را با اقتدار پیش می برد. بخش عمومی غیردولتی هم به دلیل مطالبات کلان خود از دولت و اقبال بیشتر دولت به این بخش سهم قابل قبولی از واگذاری ها را تا به امروز نصیب خود کرده است. اما بخش خصوصی هنوز دستور کار و راهبرد مشخصی برای بهره گیری از این فرصت ها ندارد ضمن اینکه خیلی هم نمی تواند به حمایت دولت دل ببندد.

*رئیس کمیسیون IT اتاق بازرگانی تهران